

نام و نام خانوادگی:..... بسمه تعالی امتحان املای درس رازی و ساخت بیمارستان

دور کلمه ای که درست نوشته شده است خط بکشید.

طیب (خوشحال - خوش حال) شد و گفت : " بروید و چند (تگّه - تگه) گوشت تازه بیاورید ". گفتند گوشت تازه برای ساختن (بیمارستان - بیمارستان)؟! بعضی در دل خندیدند و با خود گفتند " نلند طیب بزرگ ما (هوس - هوس) خوردن کباب کرده است؟! ". همه از این فرمان طیب (شگفتزده - شگفت زده) شدند. چند نفر رفتند و گوشت ها را آوردند. بعضی از گوشت ها خشکیده و بعضی (فاسد - فاسد) و بدبو شده بودند.

پس معلوم می شود آن (نقطه - نقطه) شهر که این گوشت ها در آن (آویزان - آویضان) بوده است ، هوای (پاکیزه تری - پاکیزه تری) داشته است. (محمّد - محمد) پسر زکریا در جوانی پدرش را از دست داد و به ناچار در جوانی در کارگاه (زرگری - زرگری) مشغول به کار شد. رازی در کنار کار در کارگاه در کلاس درس (اسطادان - استادان) هم (حاضر - حازر) می شد.

دوستان (عزیز - عزیز) اکنون من و شما برای (موفقیت - موفقیت) و (صربلندی - صربلندی) کشورمان باید چه کارهایی انجام دهیم؟!

- ارزشیابی :